

کاشمیر

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۹ شهریور ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

۲



۲۲ نفر در آتش سوزی شهرک صنعتی آق قلا
مصدوم شدند



۳



چگونه بعد از کنکور آرامش را به خانه برگردانیم؟
تا اعلام نتایج کنکور بافرزندان چگونه رفتار کنیم



۴



نزاع فقیه و صوفی بر سر قدرت بود نه اندیشه!
«ادبیات»



دلیلی نیست! برای هیچ!
«داستان کوتاه»



«۵»

گلستان برای جبران عقب ماندگی های
توسعه ای به سرمایه گذاری نیاز دارد



«۷»

آیا چت جی پی تی حافظه ما را
ضعیف می کند



«۸»

یادداشت اول

حکمرانی مطلوب

و نقش رسانه

■ مجتبی جمالی

تحقق حکمرانی مطلوب بیش از آنکه صرفاً به ساختارها، قوانین و سازوکارهای اداری وابسته باشد، به کیفیت سرمایه انسانی در جامعه و نظام حکمرانی وابسته است. حتی کارآمدترین قوانین و پیشرفته ترین ساختارهای نهادی، در صورت فقدان نیروی انسانی سازمانی توانمند و جامعه ای آگاه، خلاق و مشارکت جو، نمی توانند به نتایج مطلوب منجر شوند. از این منظر، سرمایه انسانی را باید یکی از مهم ترین زیرساخت های حکمرانی مطلوب و توسعه پایدار دانست. سرمایه انسانی در این چارچوب، صرفاً به کارکنان و مدیران دستگاه های دولتی محدود نمی شود، بلکه می توان آن را در دو سطح مکمل مورد توجه قرار داد:

نخست، سرمایه انسانی سازمانی و حاکمیتی؛ یعنی مدیران، کارشناسان و کارکنانی که در دستگاه های دولتی و نهادهای عمومی مسئولیت سیاست گذاری، تصمیم گیری، اجرا، نظارت و ارائه خدمات عمومی را بر عهده دارند.

دوم، سرمایه انسانی عام و اجتماعی؛ یعنی خانواده ها، شهروندان، گروه های اجتماعی، نخبگان، جوانان، کارآفرینان و سایر کنشگران اجتماعی که ظرفیت دانشی، مهارتی و اخلاقانه آنان می تواند در حل مسائل عمومی و پیشبرد توسعه نقش آفرین باشد.

این دو سطح از سرمایه انسانی از یکدیگر جدا نیستند، بلکه در تعامل با یکدیگر کیفیت حکمرانی را شکل می دهند. بطوریکه بهترین نظام های اداری با سرمایه انسانی توانمند، شایسته و حرفه ای نیز بدون برخورداری از شهروندانی آگاه، مسئول، مطالبه گر و مشارکت جو نمی تواند به حکمرانی مطلوب دست یابند.

از همین رو، حکمرانی مطلوب را نمی توان صرفاً به معنای «دولت خوب» تلقی کرد؛ بلکه باید آن را حاصل وجود همزمان و تعامل دولت توانمند و جامعه توانمند دانست.

ادامه در صفحه ۲

کافه نشینی



فاطمه سراوانی - کافه، جایی که سبک زندگی، معاشرت و اقتصاد شهری گرگان را آرام آرام تغییر داده است. اگر چند سال پیش کسی می گفت کافه ها قرار است یکی از نشانه های پررنگ زندگی شهری در گرگان باشند، شاید چندان جدی گرفته نمی شد. اما امروز کافی است در بعضی خیابان های شهر کمی آهسته تر قدم بزنیم؛ تابلوهای کافه ها یکی پس از دیگری دیده می شوند؛ پشت شیشه ها میزهایی برای دو نفر، چند صندلی کنار پنجره و گروه هایی که ساعت ها در سکوت یا گفت و گومی نشینند.

بعضی ها برای قهوه آمده اند، بعضی برای قرار دوستانه، عده ای برای کار با لپ تاپ و گروهی هم شاید فقط برای اینکه چند ساعت از فضای خانه و روزمرگی فاصله بگیرند.

کافه ها آرام آرام بخشی از چهره شهر شده اند؛ پشت این تغییر ظاهرا ساده شهر، تحولی اجتماعی در جریان است؛ تغییری در شیوه ی معاشرت، گذران اوقات فراغت، مصرف فرهنگی و حتی معنای پاتوق در زندگی نسل جدید. کافه برای بسیاری از جوانان دیگر فقط جایی برای نوشیدن قهوه نیست.

یک میز می تواند همزمان محل قرار دو دوست، جلسه کاری، محل مطالعه یک دانشجوی و خلوت فردی باشد که ترجیح داده چند ساعت تنها بماند، اما نه در خانه.

همین ویژگی، کافه را از یک واحد صنفی معمولی جدا می کند. پژوهش های اجتماعی انجام شده درباره کافه نشینی در ایران نیز نشان می دهد که کافه ها برای بخشی از جوانان به نوعی فضای سوم تبدیل شده اند؛ فضایی میان خانه و محیط کار یا تحصیل که امکان معاشرت، آرامش و شکل گیری روابط اجتماعی را فراهم می کند. یک مطالعه درباره کافه های شهر تهران نیز نشان داده است که احساس آرامش، امنیت و امکان تعامل اجتماعی از دلایل مهم استقبال جوانان از این فضاهاست.

بنابراین شاید بهتر باشد قبل از اینکه از زیاد شدن کافه ها حرف بزنیم، از خودمان بپرسیم: کافه ها به کدام نیاز پاسخ داده اند؟

روایت یک میز دو نفره

به عادت هر روز به نیت پیاده روی از خانه بیرون آمدم حوالی بولوار پدر در ملاقاتی کافه ای کوچک است که دو دختر جوان کنار پنجره نشسته اند. یکی

مشغول کار با لپ تاپ است و دیگری آرام آرام قهوه اش را می نوشد. وارد شدم و اجازه گرفتم چند دقیقه کنارشان بنشینم می گویند فقط می خواستند چند ساعت بیرون از خانه باشند.

این صحنه شاید در ظاهر ساده باشد، اما اگر کمی دقیق تر نگاه کنیم، معنای اجتماعی مهمی دارد. نسل جدید لزوماً برای تفریح به کافه نمی آید. گاهی کافه محل کار است، گاهی محل مطالعه، گاهی قرار عاطفی، گاهی گفت و گوی دوستانه و گاهی حتی محلی برای تنها بودن.

در واقع، کافه امکان با دیگران بودن بدون الزام به معاشرت دائمی را فراهم می کند. این تغییر، بخشی از همان تحول بزرگ تری است که در سبک زندگی شهری اتفاق افتاده است.

به نظر ۲۰ تا ۳۰ ساله اند از آنها می پرسم چرا کافه را برای گذراندن وقت انتخاب می کنید؟

چه چیزی در کافه وجود دارد که در خانه یا پارک و ... پیدا نمی کنید؟ هزینه کافه نشینی برای شما قابل قبول است؟ کافه بیشتر برای شما محل معاشرت است یا خلوت؟

ادامه در صفحه ۲

ادامه تیر اول

کافه را باید به عنوان یک فضای اجتماعی دید مطالعات جامعه‌شناختی درباره کافه‌نشینی نیز بر همین نکته تاکید دارند.

یک پژوهش مردم‌نگارانه درباره کافه‌های تهران، کافه‌نشینی را نوعی زیست اجتماعی بررسی کرده و از مفاهیمی مانند حضور در فضای متمایز، سبک زندگی جدید و شکل‌های متفاوت تعامل اجتماعی سخن گفته است. پژوهش جدیدتری که در سال ۲۰۲۶ درباره کافه‌های مرکز تهران منتشر شده نیز نشان می‌دهد کافه‌ها صرفاً محل مصرف نیستند و می‌توانند به فضاهایی برای شکل‌گیری و نمایش سلیقه فرهنگی، هویت و روابط اجتماعی تبدیل شوند. این مطالعه همچنین نشان داده است که بسیاری از مشتریان و کارکنان کافه‌های بررسی‌شده را جوانان تشکیل می‌دادند.

اما آیا افزایش کافه‌ها نشانه تغییر سبک زندگی در گرگان است یا صرفاً یک روند اقتصادی است؟

کافه چه نیازی از نسل جدید را پاسخ می‌دهد؟ آیا نبود فضاهای عمومی کافی، جوانان را به سمت کافه‌ها سوق داده است؟

آیا کافه‌نشینی الزاماً به معنای مصرف‌گرایی است؟ کافه‌ها می‌توانند چه نقشی در سرمایه اجتماعی و روابط شهروندان داشته باشند؟

پشت هر فنجان قهوه، یک کسب‌وکار است اما همه داستان اجتماعی نیست؛ کافه‌ها بخشی از اقتصاد شهر هم هستند.

راه‌اندازی یک کافه اگرچه در مقایسه با بسیاری از فعالیت‌های صنعتی، سرمایه اولیه کمتری می‌خواهد، اما ادامه دادن آن ساده نیست.

اجاره ملک، تجهیزات، مواد اولیه، حقوق کارکنان، بیمه، مالیات، هزینه انرژی و رقابت فشرده، تنها بخشی از هزینه‌هایی است که صاحبان این واحدها با آن مواجه‌اند. از طرف دیگر، افزایش تعداد کافه‌ها می‌تواند رقابت را شدیدتر کند.

دربازاری که چند واحد مشابه در فاصله‌ای کوتاه از یکدیگر فعالیت می‌کنند، همه آنها الزاماً نمی‌توانند دوام بیاورند.

کافه‌ها چهره محله را هم تغییر می‌دهند وقتی چند واحد کافه در یک محدوده متمرکز می‌شوند، اثر آنها می‌تواند از فضای داخلی واحد صنعتی فراتر برود. تردد خودرو، کمبود پارک، رفت‌وآمد شبانه، تغییر کاربری برخی واحدهای تجاری و حتی تغییر تدریجی هویت یک خیابان، از پیامدهایی است که باید در مدیریت شهری مورد توجه قرار گیرد.

البته این تغییر الزاماً منفی نیست. گاهی حضور کافه‌ها می‌تواند یک محدوده کم‌تحرك را فعال کند، رفت‌وآمد شهروندان را افزایش دهد و زمینه‌ی شکل‌گیری فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی جدید را فراهم کند.

در واقع، مسئله نه بودن کافه، بلکه چگونگی استقرار و مدیریت این فعالیت در بافت شهری است.

شهری که باید خودش را اندازه بگیرد یکی از ضعف‌های جدی در مواجهه با این پدیده، کمبود داده است.

امروز برای صحبت دقیق درباره وضعیت کافه‌ها در گرگان باید حداقل بدانیم که

چند کافه دارای مجوز در شهر فعال هستند؟ چند واحد در سال‌های اخیر تعطیل شده‌اند؟ چه میزان اشتغال ایجاد کرده‌اند؟

تمرکز آنها در کدام محله‌ها بیشتر است؟ میانگین عمر این کسب‌وکارها چقدر است؟ چه میزان سرمایه وارد این حوزه شده است؟

و چه تعداد از واحدهای جدید جای کسب‌وکارهای دیگری را گرفته‌اند؟

بدون چنین داده‌هایی، عبارت‌هایی مانند رشد بی‌رویه کافه‌ها یا حتی افزایش چشمگیر کافه‌ها بیشتر توصیف خیابانی است تا تحلیل کارشناسی.

کافه؛ نه تهدید، نه نشانه‌ی توسعه است

کافه‌ها را نمی‌توان دشمن شهر دانست؛ همان‌طور که صرف افزایش تعداد آنها را نمی‌توان نشانه توسعه‌یافتگی تلقی کرد.

کافه بخشی از اقتصاد شهری است، بخشی از فرهنگ مصرف است و در عین حال، بخشی از زندگی اجتماعی

نسل جدید است.

امروز کافه تنها فضای قابل‌دسترس و جذاب برای معاشرت جوانان است.

شهر سالم، شهری نیست که در آن کافه کم باشد؛ شهری است که انتخاب‌های اجتماعی متنوعی پیش روی شهروندانش قرار دهد.

کسی که می‌خواهد قهوه بخورد، کافه داشته باشد. کسی که کتاب می‌خواند، کتابخانه داشته باشد.

کسی که هنر دوست دارد، فضای هنری داشته باشد. کسی که می‌خواهد فقط قدم بزند و با دوستش حرف

بزند، پیاده‌راه و فضای عمومی مناسب داشته باشد. و کسی که توان پرداخت هزینه ندارد، همچنان حق

داشته باشد جایی برای ماندن، گفت‌وگو و حضور در شهر پیدا کند.

گرگان پشت میزهای کافه چه چیزی را تجربه می‌کند؟ کافه‌ها شاید یکی از کوچک‌ترین واحدهای اقتصادی شهر باشند، اما آنچه در آنها اتفاق می‌افتد کوچک نیست. آدم‌هایی که زمانی در خانه، پارک، قهوه‌خانه یا خیابان با یکدیگر دیدار می‌کردند، امروز بخشی از روابطشان را پشت میزهای کافه تجربه می‌کنند.

شیوه قرار گذاشتن تغییر کرده است.

نوع گفت‌وگو تغییر کرده است. مصرف فرهنگی تغییر کرده است.

حتی تنهایی هم شکل تازه‌ای پیدا کرده است.

کافه‌نشینی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و کافه‌ها در دوره‌های مختلف، محل معاشرت و دیدار گروه‌های فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند. اما شکل امروز آن با گذشته تفاوت‌های جدی دارد و به سبک زندگی، مصرف فرهنگی و نیازهای تازه شهروندان گره خورده است.

شاید به همین دلیل است که نمی‌توان با یک برچسب ساده درباره کافه‌ها قضاوت کرد.

نه همه کسانی که کافه می‌روند، مصرف‌گرا هستند؛ نه همه کافه‌ها پاتوق فرهنگی‌اند؛ نه افزایش تعداد آنها به‌خودی‌خود تهدید اجتماعی است.

کافه‌ها، مثل خود شهر، چندلایه‌اند.

کافه‌هایی صدا رشد کرده‌اند و حالا بخشی از شهرگرگان شده‌اند.

کافه‌ها آینه‌ای هستند که بخشی از زندگی امروز گرگان



را نشان می‌دهند؛ آینه‌ای که اگر دقیق‌تر در آن نگاه کنیم، نه فقط میز و فنجان قهوه، بلکه تصویری از سبک زندگی، نیازهای اجتماعی، اقتصاد خرد و آینده فضای عمومی شهر را خواهیم دید.

شاید مسئله اصلی، خود کافه‌ها نباشند؛ مسئله، شهری است که شهروندانش برای با هم بودن، گفت‌وگو کردن و تجربه یک حضور اجتماعی ساده، به چند متر فضا و یک میز کوچک پناه می‌برند. از این منظر، کافه‌ها را نه باید تهدید اجتماعی دید و نه شاخص توسعه؛ آنها بخشی از نشانه‌های تغییر در سبک زندگی شهری‌اند. آنچه برای مدیران شهری و سیاست‌گذاران اهمیت دارد، نه افزایش یا کاهش شمار کافه‌ها، بلکه فهم چرایی رشد آنها و پاسخ به نیازی است که پشت این روند پنهان شده است.

اگر گرگان قرار است شهری زنده، پویا و برخوردار از کیفیت زندگی باشد، باید در کنار ساماندهی و نظارت بر فعالیت کافه‌ها، برای توسعه کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، فضاهای هنری، پیاده‌راه‌ها، پارک‌ها و دیگر فضاهای عمومی در دسترس نیز برنامه داشته باشد. آینده شهر را نمی‌توان پشت پیشخوان کافه‌ها جست‌وجو کرد؛ اما می‌توان از پشت همان میزها، بخشی از آینده اجتماعی شهر را خواند. شاید کافه‌ها بیش از آنکه شهر را تغییر داده باشند، خبر از شهری می‌دهند که پیشاپیش در حال تغییر است؛ شهری که بیش از همیشه به فضای با هم بودن نیاز دارد.

مطلوب، حاصل تعامل دولت توانمند و جامعه توانمند است؛ دولت و جامعه توانمند نیز بدون سرمایه انسانی کارآمد شکل نمی‌گیرند و رسانه یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تبدیل سرمایه انسانی اجتماعی به آگاهی، توانمندی، مشارکت و کنش مسئولانه است. از این منظر، رسانه صرفاً یکی از ابزارهای حکمرانی نیست؛ بلکه بخشی از زیرساخت اجتماعی لازم برای تحقق حکمرانی مطلوب است.

این نگاه، موجب ارتقای جایگاه رسانه از یک «ابزار اطلاع‌رسانی» به یک «نهاد توانمندساز سرمایه انسانی و ظرفیت‌ساز حکمرانی» می‌شود.

معاون توسعه و مدیریت منابع استانداری

دهد. این موضوع در عصر شتاب تحولات فن آوری و گسترش شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و تولید انبوه اطلاعات، اهمیت مضاعفی پیدا کرده است؛ امروز هر شهروند می‌تواند هم‌زمان دریافت‌کننده، تولیدکننده و توزیع‌کننده اطلاعات باشد. مسئله امروز صرفاً دسترسی به اطلاعات نیست، بلکه توان تمیز و تشخیص اطلاعات معتبر از اطلاعات نادرست و تبدیل اطلاعات به دانش و تصمیم درست است. لذا یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های رسانه در این شرایط، کمک به شکل‌گیری شهروندانی است که نه تنها اطلاعات دریافت می‌کنند، بلکه توانایی تشخیص، تحلیل، ارزیابی، پرسشگری، خلاقیت و تصمیم‌گیری مسئولانه دارند.

در نهایت، بطور خلاصه می‌توان گفت: حکمرانی

در فرآیند توانمندسازی سرمایه انسانی اجتماعی، رسانه جایگاهی اساسی دارد. امروزه رسانه صرفاً وسیله‌ای برای انتقال خبر نیست؛ بلکه می‌تواند یکی از مهم‌ترین نهادهای آگاهی‌بخشی، آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی و توانمندسازی اجتماعی باشد.

از این منظر، نخستین کارکرد رسانه در ارتباط با سرمایه انسانی اجتماعی، آگاهی‌بخشی است. شهروند آگاه، نقطه آغاز جامعه توانمند است. آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، مسائل اقتصادی و اجتماعی، سیاست‌های عمومی، عملکرد نهادها و تحولات جامعه، امکان مشارکت آگاهانه‌تر افراد را فراهم می‌کند. فلذا نقش رسانه به اطلاع‌رسانی محدود نمی‌شود. و رسانه می‌تواند ظرفیت شهروندان را برای مواجهه و درک بهتر محیط پیچیده اطلاعاتی افزایش

ادامه یادداشت اول

بنابراین، یکی از الزامات حکمرانی مطلوب، تبدیل شهروند منفعل به شهروند آگاه، توانمند، خلاق و مشارکت‌جو است. این امر البته خودبه‌خود اتفاق نمی‌افتد. و بر این اساس، جایگاه و نقش رسانه بعنوان یکی از سازوکارهای موثر تحقق این امر مطرح می‌شود.

رسانه؛ یکی از مهم‌ترین سازوکارهای توانمندسازی شهروندان

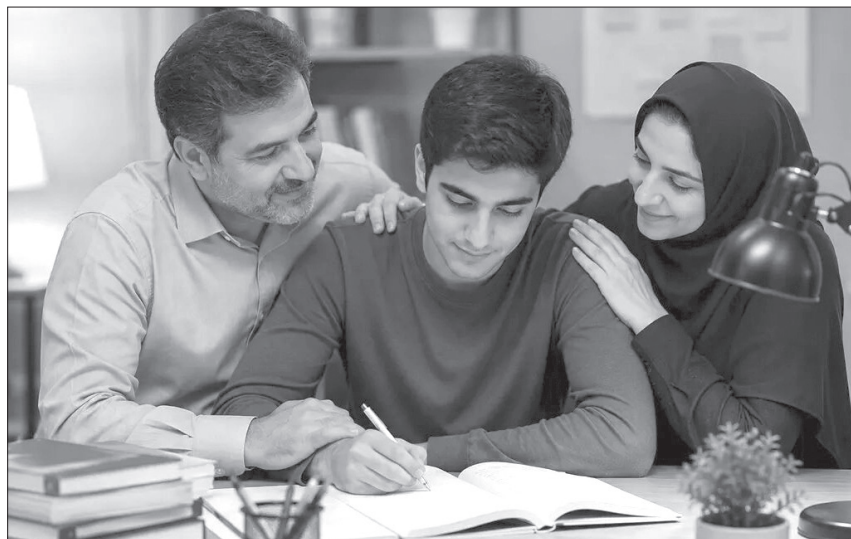
۲۲ نفر در آتش‌سوزی شهرک صنعتی آق‌قلا مصدوم شدند



مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر گلستان گفت: ۲۲ نفر بر اثر حادثه آتش‌سوزی کارخانه در شهرک صنعتی آق‌قلا مصدوم شدند که ۱۱ نفر به صورت سرپایی تخت درمان قرار گرفتند. به گزارش روابط عمومی، مرتضی سلیمی اظهار کرد: در پی وقوع آتش‌سوزی در یکی از کارخانه‌های شهرک صنعتی آق‌قلا، سه تیم عملیاتی جمعیت هلال‌احمر شامل پایگاه آق‌قلا، تیم واکنش سریع و تیم مرکزی آق‌قلا همراه با ۲ دستگاه آمبولانس و یک دستگاه خودروی کمک‌دار سبک به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: ۱۰ نیروی امدادی حاضر در محل حادثه در کنار پشتیبانی از عملیات

چگونه بعد از کنکور آرامش را به خانه برگردانیم؟

تا اعلام نتایج کنکور با فرزندان چگونه رفتار کنیم



کنکور برای خانواده‌های ایرانی، فقط یک آزمون علمی نیست؛ یک «پروژه ملی» در دل خانه است. ماه‌ها استرس، بیداری‌های شبانه، چای‌های سرد شده و اضطراب‌هایی که در گوشه‌گوشه‌ی اتاق فرزندان نفوذ کرده بود، بالاخره به نقطه پایان رسید. اما حالا که صدای بسته شدن دفترچه‌ها در ذهن داوطلب پیچیده، چرا هنوز خانه به آرامش نرسیده است؟ به گزارش ایران‌زندگی، درست در همین روزهاست که سکوت اتاق فرزندان، سنگین‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. او که تا دیروز تمام وقتش را میان کتاب‌ها می‌گذراند، حالا در گرداب «ای کاش‌ها» و «اگر‌ها» گیر کرده است؛ انگار در دادگاه ذهنش مدام خودش را محاکمه می‌کند و احساس گناه می‌کند که چرا دیگر نمی‌تواند با خیال راحت استراحت کند. ما هم گاهی با سوالات ناخواسته مثل «چطور دادی؟» یا «فکر می‌کنی چقدر می‌زنی؟»، ناخواسته او را دوباره به همان صندلی پر استرس آزمون برمی‌گردانیم. در حالی که او در این لحظات، به جای تحلیل‌گر، به یک «پناهگاه بی‌قضاوت» نیاز دارد؛ کسی که با حضور امنش به او بفهماند خانه، جایی است که می‌تواند بدون ترس از قضاوت، فقط نفس بکشد. باید بدانیم که مغز فرزند ما بعد از این فشار طولانی، به چیزی به نام «استراحت ترمیمی» نیاز دارد. خوابیدن، فیلم دیدن یا حتی بی‌هدف قدم زدن، تبدیلی نیست؛ بلکه یک ضرورت زیستی برای تخلیه‌ی سموم استرس و بازسازی ذهن است؛ درست مثل ورزشکاری که بعد از یک مسابقه‌ی سخت، باید بدن خود را بازیابی کند. بیا بید در این روزها، تمام استعداد و ارزش او را در قالب چند عدد و رتبه خلاصه نکنیم. کنکور فقط یک مهارت محدود است، نه معیار شخصیت یا آینده‌ی او. وقتی به او اطمینان می‌دهیم که «ارزش تو به نتیجه‌ات بستگی ندارد»، در واقع داریم به او قدرت می‌دهیم تا با آرامش از این ایستگاه عبور کند و با قدرت به مسیر زندگی‌اش ادامه دهد.

وقتی «فیلتر منفی» ذهن فرزندان را محاصره می‌کند

برای خیلی از بچه‌ها، فردای کنکور اصلاً همان آرامش مورد انتظار را ندارد؛ در واقع، این روزها شروع یک شکنجه‌ی درونی تمام‌عیار است. درست زمانی که ما فکر می‌کنیم آن‌ها بالاخره از فشار خلاص شده‌اند، ذهن آن‌ها تازه وارد مرحله‌ی «مرور بی‌رحمانه» می‌شود. انگار یک نوار صوتی خراب در سرشان گیر کرده که مدام همان لحظات حساس جلسه آزمون را با جزئیات آزاردهنده پخش می‌کند: «چرا آن فرمول را فراموش کردم؟»، «کاش آن میحت را یک‌بار دیگر چک می‌کردم». این نوسانات ذهنی، باعث می‌شود آن‌ها نتوانند با واقعیت «تمام شدن آزمون» کنار بیایند. مشکل اصلی اینجاست که فرزندان در این روزها، در یک دادگاه بی‌طرفانه نیست؛ او همزمان هم قاضی است و هم متهم! او با تمام توان، در حال محاکمه کردن خودش

است و از همه بدتر اینکه، هیچ وکیل مدافعی هم برای خودش ندارد. او غرق در گرداب «ای کاش‌ها» شده و با هر بار مرور اشتباهات، انگار دارد بر روی زخم‌های اعتمادبه‌نفسش نمک می‌پاشد. این نوع سرزنش دائمی، باعث می‌شود او از لذت پایان یک مسیر طولانی محروم شود و به جای شادی، با نوعی خستگی روانی عمیق روبه‌رو شود. وقتی می‌بینید فرزندان کلافه است، مدام در فکر فرو می‌رود یا از نظر عاطفی کمی کناره‌گیر شده، بدانید که او در میان این افکار سمی دست‌وپا می‌زند. او در این لحظات، نیازی به نصیحت‌های آموزشی یا تحلیل اشتباهاتش ندارد؛ او فقط نیاز دارد که کسی با مهربانی تمام، این نوار خراب ذهنی را متوقف کند. بهترین کمک در این روزها، این است که به او یادآوری کنید: آن مسیر تمام شده، دیگر چیزی برای تغییر دادن وجود ندارد؛ حالا فقط وقت نفس کشیدن و بازگشت به خودت است.

نقش شما: از «برنامه‌ریز» به «سنگ صبور»

حالا که کنکور تمام شده، نقش شما هم باید عوض شود. تا دیروز شما «مدیر اجرایی» بودید؛ کسی که نگران ساعت مطالعه، کیفیت تست‌ها و برنامه‌های کلاس فرزندش بود. اما از همین امروز، لطفاً آن لباس را از تن در بیاورید. فرزندان در این روزها دیگر به یک تحلیل‌گر یا ناظر آموزشی احتیاج ندارند؛ او همین حالا هم به اندازه کافی خودش را نقد کرده است. فرزند شما این روزها فقط به یک امنیت روانی نیاز دارد؛ یک پناهگاه بی‌قضاوت. به جای اینکه با سوالات کنجکاوانه، ناخواسته او را به همان صندلی آزمون برگردانید، اجازه دهید خانه، محیطی باشد که او بتواند در آن نفس بکشد. گاهی بهترین کاری که می‌توانید برای فرزندان انجام دهید، این است که فقط کنارش باشید، جای دم کنید و به او نشان دهید که فارغ از هر نتیجه‌ای که قرار است

بیاید، خانه همچنان همان جای امن همیشگی است که او را با تمام خستگی‌ها و اشتباهاتش دوست دارد. این «سنگ صبور بودن»، همان چیزی است که آرامش را دوباره به قلب خانه برمی‌گرداند.

چند پیشنهاد برای تبدیل خانه به جزیره‌ی آرامش:

دادگاه خانه را تعطیل کنید:

اولین و بزرگ‌ترین خطای ما، پرسش‌های مکرر درباره «چطور بود؟» یا «فکر می‌کنی چند می‌زنی؟» است. این سوالات فقط اضطراب فرزندان را دوباره زنده می‌کند. به جای آن، درباره‌ی دل‌تنگی‌های دوران درس‌خواندنش صحبت کنید. به او بگویید: خیلی خوشحالم که این دوره‌ی پرفشار تمام شد؛ دلمان برای خنده‌ها و بودن‌هایت تنگ شده بود. بگذارید احساس کند که بازگشت خودش، برای شما مهم‌تر از بازگشت نتایج است.

تصویر بزرگ‌تر را ترسیم کنید:

فرزندان باید بدانند که کنکور، نه پایان جاده است و نه مهر نهایی بر کارنامه‌ی استعدادهايش. به او یادآوری کنید که او در این ماه‌ها مهارت‌های فوق‌العاده‌ای مثل «صبر»، «تاب‌آوری در برابر فشار» و «مدیریت زمان» را تمرین کرده است؛ مهارت‌هایی که در هیچ کتاب درسی نوشته نشده، اما در تمام مسیر زندگی‌اش به کار خواهد آمد. کنکور فقط یک آزمون محدود است، نه معیار سنجش ارزش انسانی او.

به او حق «هیچ‌کاری نکردن» بدهید:

بعد از ماه‌ها فشار عصبی، مغز فرزندان به یک استراحت عمیق نیاز دارد. اگر می‌بینید ساعات طولانی می‌خوابد، فیلم می‌بیند یا بی‌هدف در خیابان قدم می‌زند، نگران نشوید. این «استراحت فعال» برای بازسازی سیستم عصبی و بازیابی انرژی او ضروری است. به او اجازه دهید بدون عذاب وجدان، دوباره «زندگی» کند و از روزهایش لذت ببرد.

مقایسه؛ سمی‌ترین آفت خانوادگی:

خیلی حواستان باشد که فرزندان را با دختر همسایه، پسر فامیل یا دوستان دیگرش مقایسه نکنید. موفقیت، یک مسیر خطی نیست که همه روی آن با سرعت یکسان حرکت کنند؛ هر آدمی زمان‌بندی مخصوص خودش را دارد. مقایسه کردن، اعتمادبه‌نفس او را در این روزهای حساس تخریب می‌کند. اجازه دهید او با سرعت خودش، مسیر بعدی‌اش را پیدا کند.

پذیرایی بی قید و شرط داشته باشید:

یک پذیرایی ساده اما گرم ترتیب بدهید. غذایی که دوست دارد را بپزید یا برنامه‌ای بچینید که برایش خوشایند است. وقتی از بیرون به خانه می‌آید، استقبال شما باید گرم و بدون چشم‌داشت باشد. بگذارید خانه همان «جزیره‌ی امنی» باشد که در آن مجبور نیست نگران هیچ‌چیز باشد و می‌تواند فقط «فرزند شما» باشد، نه یک «داوطلب کنکور».

از «سکوت همدلانه» غافل نشوید:

گاهی اوقات لازم نیست حرف خاصی بزنیم. اگر فرزندان دوست دارد ساکت باشد یا در اتاقش تنها بماند، به این حریم احترام بگذارید. گاهی یک لبخند کوتاه هنگام صرف چای یا یک جمله کوتاه مثل «هر وقت خواستی حرف بزنی، من هستم»، هزار برابر موثرتر از ساعت‌ها نصیحت کردن است. بگذارید بداند حضور شما، حضور یک تکیه‌گاه خاموش و امن است.

لذت‌های ساده را دوباره زنده کنید:

ماه‌های قبل از کنکور احتمالاً پر از محدودیت بوده است. حالا وقت آن است که لذت‌های کوچک و از دست‌رفته را برگردانید. پیاده‌روی شبانه در پارک، دیدن یک فیلم کم‌دی، خرید یک وسیله‌ی کوچک یا حتی یک گپ‌وگفت دوستانه درباره‌ی آرزوهای غیرتحصیلی‌اش. وقتی دوباره «شادی» را به جریان زندگی خانوادگی برگردانید، ذهن فرزندان هم سریع‌تر از فضای سنگین کنکور فاصله می‌گیرد. فراموش نکنید که کنکور، تنها یکی از هزاران ایستگاهی است که فرزندان در طول مسیر رشدش از آن‌ها عبور خواهد کرد. مراقب باشید در این روزهای حساس، پیوند عاطفی شما با فرزندان که ارزشمندترین دارایی مشترکتان است، قربانی وسوس رتبه‌ها و ترازا نشود. آنچه برای آینده‌ی او ماندگار است و هویتش را می‌سازد، نه عدد کارنامه، بلکه خاطره‌ی حمایت‌های بی‌قید و شرط و محیط امنی است که شما در این دوران پرتلاطم برایش فراهم کرده‌اید. یک لبخند واقعی و یک «خسته نباشی» صمیمانه، معجزه‌ای می‌کند که هیچ توصیه‌ی آموزشی‌ای قادر به آن نیست. با رفتار خود به او نشان دهید که «خود او»، ورای تمام موفقیت‌ها و شکست‌ها، برای شما بی‌نهایت ارزشمند است. این اطمینان‌بخشی، بزرگ‌ترین درس زندگی است که او از شما می‌آموزد؛ درسی که به او اعتمادبه‌نفس می‌دهد تا با آرامش از این مرحله عبور کند و با نگاهی امیدوارانه، فصل بعدی زندگی‌اش را آغاز کند.

قدردانی از مواضع راهبردی و وحدت‌آفرین آیت‌الله نورمفیدی، تصریح کرد: مردم ایران همواره با روحیه همبستگی در مقابل تلاش‌های بیگانگان برای ایجاد تفرقه‌ایستاده‌اند و رویکرد وادارانه رئیس‌جمهور در پذیرش تمامی اقشار، نقش موثری در تقویت این وحدت داشته است. حسین‌زاده با اذعان به سختی‌های پیش روی دولت، خاطرنشان کرد: دولت در شرایط خطیری قرار دارد، اما میدان خدمت را ترک نکرده و با تمام توان برای بهبود وضعیت موجود و کاهش مشکلات کشور تلاش می‌کنیم.

مدیریتی و نظامی، آن را اقدامی هوشمندانه دانست و با محکوم کردن توطئه‌های تفرقه‌افکنانه، بر ضرورت هوشیاری در برابر جریان‌های وحدت‌شکن تاکید کرد. به گزارش روابط عمومی، آیت‌الله نورمفیدی تاکید کرد: اگر چه مسیر تقابل با قدرت‌های سلطه‌گر مشکلاتی دارد، اما عزم و اراده راسخ مسوولان کشور به‌ویژه صداقت و صراحت رئیس‌جمهور در بیان واقعیت‌ها و ایستادگی بر آرمان‌ها، نویدبخش پیشرفت و مایه امیدواری دلسوزان نظام است. در ادامه این دیدار، معاون رییس‌جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم ضمن

انتصاب نخبگان اهل سنت در مناصب مدیریتی هوشمندانه است

نماینده ولی فقیه در گلستان با استقبال از انتصاب نخبگان اهل سنت در مناصب

سعید مهری:

نزاع فقیه و صوفی بر سر قدرت بود نه اندیشه!



اشاره

سعید مهری، متولد و ساکن گرگان، فارغ‌التحصیل دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد. عضو گروه ادبیات فارسی دانشگاه گنبدکاووس، عضویت در انجمن مفخر گلستان و تألیف چندین مقاله علمی را در کارنامه خود دارد. حوزه تخصصی‌اش ادبیات کلاسیک و ادبیات عرفانی و کتاب «صوفیان مطرود» (بررسی تبارشناسانه جریان نقد تصوف از دوره صفوی تا پهلوی اول) نخستین کتاب اوست که تابستان ۱۴۰۵، توسط نشر آرما در ۲۶۸ صفحه و بهای ۷۲۰ هزار تومان، وارد بازار نشر شده است. انتشار این کتاب، بهانه گفت‌وگوی ما با اوست.

آقای دکتر درباره کتاب و اینکه ایده نگارش آن چطور به ذهن شما رسید توضیح بفرمایید.

این کتاب در اصل رساله دکتری من در گروه ادبیات دانشگاه فردوسی بوده است که با اندک تغییراتی در نشر آرما به چاپ رسیده است. تصوف و ادبیات صوفیانه همواره یکی از زمینه های علاقه بنده در مطالعات و پژوهش هایم بوده است و تمایل زیادی داشتم که در زمینه تاریخ تصوف پژوهشی انجام بدهم.

باتوجه به اینکه رشته تحصیلی شما ادبیات فارسی است، چرا در زمینه تصوف و عرفان پژوهش کرده‌اید؟

سوال خوبی است؛ اساساً تصوف بخش جدایی‌ناپذیر ادبیات فارسی و شاید بهتر است بگوییم ادبیات اسلامی که شامل ادبیات فارسی و عربی و اردو و ترکی است؛ در واقع تصوف ایرانی-اسلامی در بستر ادبیات فارسی بالید و غنا پیدا کرد و توانست جذابیت‌ها و زیبایی‌هایش را به بشر عرضه کند. صوفیان و عارفان بزرگ ما، ادیبان و شاعران زبردستی بوده‌اند؛ مثلاً مولانا جلال‌الدین محمد، عطار نیشابوری، عین‌القضات همدانی، شیخ محمود شبستری و ... هم در تصوف مقامی ارجمند دارند و هم از منظر ادبی آثاری بسیار ارزشمند آفریده‌اند.

اصلاً تصوف و اندیشه‌های صوفیانه آن قدر جذابیت داشته است که می‌توان گفت بر تمام جنبه‌های فکری و فرهنگی مسلمانان و ایرانیان اثر گذاشته است؛ حتی فیلسوفان ایرانی هم از اندیشه‌های صوفیانه خالی نبوده‌اند؛ ابن‌سینا بنیانگذار حکمت مشرقی بود و بعدها سهروردی آن را پرورد و به کمالی چشمگیر رساند؛ گروه اخوان الصفا فلسفه‌ای باطنی و عرفانی بنا نهادند و در نهایت ملاصدرا پیوندی محکم میان فلسفه و عرفان برقرار کرد. بنابراین تصوفی که توانست در فلسفه، که ساحت عقل حض است، رخنه کند و به تعبیری از فلاسفه دلبری کند، به طریق اولی از ادیبان و شاعران هم می‌تواند دلبری کند؛ خاصه که هم ادبیات و هم تصوف بنیان‌شان بر احساس و لطافت‌های درونی است. در آخر هم بگویم نگاهی به سرفصل دروس رشته ادبیات فارسی در دانشگاه هم این را تأیید می‌کند که تصوف/عرفان و ادبیات صوفیانه/عرفانی گستره و اهمیت بسیار زیادی دارد.

درباره اصطلاح تبارشناسی که در عنوان کتاب آمده است توضیح بدهید.

تبارشناسی روشی بود که در علوم انسانی بیشتر با فوکو شناخته

می‌شود؛ البته فوکو خود تبارشناسی را مدیون نیچه است (کتاب تبارشناسی اخلاق). این روش را فوکو از میانه عمر پژوهش خود به کار گرفت و تا پیش از آن فوکو بیشتر از روش دیرینه‌شناسی در پژوهش استفاده می‌کرد و مثلاً کتاب «تاریخ جنون» محصول این شیوه است؛ اما از دوره‌ای فوکو با تکمیل دیرینه‌شناسی و افزودن مفاهیمی چون قدرت و تحلیل روابط قدرت، روش تبارشناسی را به کار گرفت.

روش تبارشناسی در مطالعات تاریخ‌محور، یعنی بررسی سیر تاریخی و تحولات یک مفهوم یا یک جریان فکری، کمک می‌کند تا زوایای پنهانی را که از چشم یک مورخ سنتی و یا کسی که نگاهی خطی به تاریخ دارد، دور مانده است، پیدا کرده و به مخاطب عرضه کند.

تبارشناس، گسست‌ها را پیدا می‌کند و با بررسی اسناد و مدارک، نقش روابط قدرت در به وجود آمدن این گسست‌ها را تحلیل می‌کند و در نهایت نشان می‌دهد در پس تغییرات و اتفاقات تاریخی عاملی متافیزیکی یا اخلاقی نهفته نیست و این تغییرات اساساً از پیش اندیشیده نیست، بلکه کاملاً تصادفی و محصول روابط قدرت هستند؛ شایسته است ذکر کنم که قدرت از منظر فوکو، سرکوب یا استیلا نیست، بلکه قدرت توان اثرگذاری بر امکان‌های دیگری است.

درباره ارتباط تبارشناسی و موضوعی که شما برای پژوهش برگزیده‌اید توضیح بدهید.

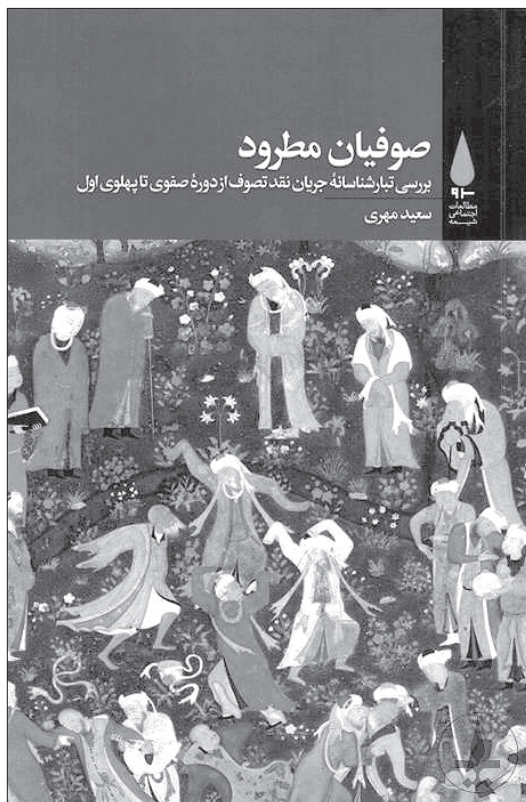
تبارشناس، گسست‌ها را پیدا می‌کند و با بررسی اسناد و مدارک، نشان می‌دهد که تغییرات، محصول روابط قدرت هستند

در اینجا باید مقدمه‌ای کوتاه بیان کنم؛ اگر نخستین جرقه‌های تصوف را در قرن دوم هجری ببینیم، با بررسی تاریخ توصف می‌بینیم که تصوف همواره در ترقی و صعود بوده است و اندک اندک از یک جنبش دگر اندیش و شاید اعتراضی، تبدیل به یک دستگاه فکری عریض و طویل با تشخیص ویژه می‌شود که متن‌ها و فرامتن‌های بسیاری پیرامون آن شکل می‌گیرد و افزون بر

محقق کرکی، فقیه بزرگ دربار شاه تهماسب، عزل و نصب می‌کرده و موقوفه‌های بسیاری را در اختیار داشته است

این مناسک و آداب عملی خاص و گاه پیچیده‌ای پیرامون خود ایجاد می‌کند. اما با همه اینها تصوف همواره یکی از فربه‌ترین عناصر فکری و فرهنگی در جوامع مسلمان، خاصه ایران، بوده است و نقدهایی هم که بر آن وارد می‌شده، آن قدر جلدی نبوده است که بر سرنوشت تصوف و صوفیان اثری بگذارد.

اما از دوره صفوی (۹۰۷ه.ق تاجگذاری شاه اسماعیل) می‌بینیم که روند مواجهه با تصوف و صوفیان عوض می‌شود و این امر زمانی معنادار می‌شود که می‌بینیم صوفیان دولتی برآمده از خانقاه بوده‌اند و خود از سلسله صوفیان بوده‌اند و اصلاً تبار صوفیانه آنان سبب شد که بتوانند به قدرت برسند. جنبش صوفیان با نیروی صوفیان قزلباش توانست حکومت را در ایران به دست بیاورد و یکی از قدرتمندترین امپراتوری‌های تاریخ ایران را بنیان ببنهند. حال چه شد که همین صوفیان به طرد صوفیان پرداختند و تلاش



کردند آنان را از دایره قدرت به کنار بگذارند؟ این سوالی است که روش تبارشناسی به آن پاسخ می‌دهد.

پرسش تأمل‌برانگیزی است، ممکن است قدری توضیح بدهید که چه چیزی سبب شد صوفیان از صوفیان روی گردان شوند؟

بله حتماً، البته این را ذکر کنم که این کتاب فقط به وضعیت نقد/طرد صوفیان در دوره صفوی نمی‌پردازد، بلکه دوره قاجار را هم بررسی کرده است و اشاره‌ای هم به دوره پهلوی اول کرده است. اما درخصوص سؤال شما باید عرض کنم که سه گسست (مربوط به تاریخ نقد تصوف) در این کتاب مشخص شده است؛ گسست اول در دوره صفوی است. در این دوره چهار گام یا چهار نوع اقدام در خصوص صوفیان قابل مشاهده است؛ از نقد و نگارش آثار انتقادی علیه صوفیان تا تنبیه و مجازات و در نهایت طرد صوفیان.

مسئله تصوف در دوره صفوی پیوند عمیقی با قدرت گرفتن فقیهان در دستگاه صوفیان دارد؛ صوفیان، به سبب ایدئولوژی‌ای که اتخاذ کرده بودند، برای کسب مشروعیت نیاز به فقیهان داشتند تا از قِبل آنان بتوانند مشروعیت دینی و به تبع آن مشروعیت سیاسی و اجازه حکومت بر مردمان را بدست آورند، از این رو امتیازات بسیاری به فقیهان دادند تا حدی که این امتیازات قدرتی به فقیهان داد که بعضاً در امور سیاسی دخل و تصرف‌های بسیاری می‌کردند؛ مثلاً محقق کرکی، فقیه بزرگ دربار شاه تهماسب، عزل و نصب می‌کرده و موقوفه‌های بسیاری را در اختیار داشته است و یا ملا محمد طاهر قمی، قدرت و نفوذ بسیاری را به دست آورده بود. اوج این قدرت سیاسی را نزد مجلسی دوم می‌بینیم که نفوذ و سلطه بسیاری بر شاه صفوی داشت و شاید اغراق نباشد اگر بگوییم تاحدی زمام امور کشور را در دوره شاه سلطان حسین در اختیار داشته است. این قدرت گرفتن فقیهان سبب شد نزاعی بین آنان و صوفیان شکل بگیرد که در نهایت پیروزی از آن فقیهان بود.

این کتاب نشان می‌دهد که نزاع بین فقیه و صوفی، اساساً مربوط به اختلاف در مبانی فکری آنان نیست، بلکه روابط قدرت در بستر دانشی خاص (دانش فقه و تخصصیاً فقه اخباری) این نزاع را فراهم کرده است.

همانطور که بیان کردید تبارشناسی زوایای پنهانی از متون را برملا می‌کند و مخاطبان این را در خلال توضیحات شما می‌توانند مشاهده کنند. اما با توجه به فرصت محدود این مصاحبه، اگر موافق هستید گفت‌وگو را همین‌جا به پایان برسانیم؛ چون به نظرم توضیحات شما یک شناخت کلی از کتاب را برای مخاطب ایجاد کرده است و مبسوط آن را می‌تواند از مطالعه کتاب به دست آورند.

بله حتماً. در پایان از شما سپاسگزارم و برای وقتی که در اختیار بنده گذاشتید قدردانی می‌کنم. امیدوارم این کتاب برای مخاطبان و علاقه‌مندان چیزی برای عرضه داشته باشد. از شما ممنونم که در این گفت‌وگو شرکت کردید.

داستان کوتاه

دلیلی نیست! برای هیچ!



علی چراغی، قم

پیوسته در تنهایی به همان معمای ناگشودنی می‌اندیشید. «یعنی چه؟ آیا به‌راستی باید مرد؟» و ندای درونش جواب می‌داد: «بله، حقیقت است و باید مرد.» می‌پرسید: «ولی آخر این همه رنج برای چیست؟» و ندا جواب می‌داد: «دلیلی نیست! برای هیچ!» و همین. «مرگ ایوان ایلیچ» [شب است. اتاق نیمه‌تاریک. چراغ کوچکی روی میز روشن مانده. کتابی باز روی میز است. بیرون، صدای آرام باران می‌آید. روشن و سایه رویه‌روی هم نشست‌اند.]

سایه: این جمله رو دوباره بخون.

روشن: کدوم؟

سایه: همین جا... «دلیلی نیست! برای هیچ!»

روشن: خب؟

سایه: هیچی. فقط دارم فکر می‌کنم شاید راست می‌گه. شاید واقعاً برای خیلی از چیزهایی که سرمون میاد، هیچ دلیلی وجود نداره.

روشن: یعنی چی هیچ دلیلی؟ آدم این همه درد می‌کشه، این همه از دست می‌ده، بعد بگیم برای هیچ؟

سایه: آره. مگه حتماً باید دنیا برای رنج ما توضیح داشته باشه؟ یکی می‌میره، یکی می‌مونه. یکی

عاشق می‌شه، یکی تنها می‌مونه. یکی هرچی می‌خواد به دست میاره، یکی تمام عمرش فقط می‌دوه و آخرش هیچی...

روشن: ولی اگه قرار باشه همه چی «برای هیچ» باشه، پس ما برای چی زندگی می‌کنیم؟

سایه: شاید برای هیچ.

[روشن لبخند کوتاهی می‌زند. کتاب را می‌بندد، اما دستش را از روی جلد برنمی‌دارد.]

روشن: من نمی‌تونم اینو قبول کنم. حتی اگه نتونم دلیلش رو پیدا کنم، دلم می‌خواد باور کنم رنج آدم یه جایی به چیزی می‌رسه. به فهمیدن، به دوست داشتن، به یه چیزی که ارزش تحمل کردن داشته باشه.

سایه: این «دلم می‌خواد باور کنم» چیه؟ شاید فقط چون تحمل «هیچ» برامون سخته، براش معنا درست می‌کنیم.

روشن: شاید. ولی تو هم وقتی می‌گی «هیچ»، از کجا مطمئنی؟

[سایه ساکت می‌شود. صدای باران کمی بلندتر شده.]

سایه: مطمئن نیستم.

روشن: پس شاید هیچ‌کدوممون چیزی نمی‌دونیم.

شعر گلستان

راز خاک پای اوست زمین آبرو گرفت
به مناسبت ولادت حضرت رسول اکرم(ص)

عبدالعلی دمانودی، گرگان

شرمندهم از این‌که بگویم که من کی‌ام
از خفتگان مهد زمین، گوی خاکی‌ام
آنجا که نقطه‌ایست به گیتی و کمتر است
اما به چشم اهل زمین دُر و گوهر است
آری، نشانی‌ام ته بن‌بست شیری است
تبعدگاه جن و مُلک در اسیری است
من از تبار آدم خاکی و سرکشم
از کبفر هیوط پدر، رنج می‌کشم
جایی که قدسیان به خدا چانه می‌زدند
از فتنه و فساد، در افسانه می‌زدند
جایی که سر بریدن مظلوم باب شد
آموزگار دفن حقیقت، غراب شد
اینجا خدای خلق، بت و سنگ و چوب شد
خورشید در غبار جهالت غروب شد
اینجا برای دخترکان نقشه داشتند
در زیر خاک خُشک، گل زنده کاشتند
اما زمین به یمن کسی آبرو گرفت
آنجا که دست عشق به نامش سبو گرفت
مہتاب از اشارت دستش دو نیم شد
جبریل در مکاتب و درسش حکیم شد
خورشید از جمال وجودش خجل شده
اخلاق او چراغ ره اهل دل شده
از بوی زلف اوست که گل رنگ و بو گرفت
از خاک پای اوست زمین آبرو گرفت
در سایه سار مهر وجودش زمین شکفت
ایزد تبارک ش به چنین آفریده گفت
او کیست آنکه قبل جهان نور او بپاست
«لولاک و لم خلقت الافلاک» را سزااست
او کیست فخر عالم و سر حلقه ی وجود
خورشید آفرینش و سرمزل شهود

چند رباعی به مناسبت میلاد پیامبر(ع) و امام
جعفر صادق(ع)

سید احمد جعفرنژاد، بهشهر

پیامبر

مومن به خدا حال کبوتر دارد
با هر نفسی ذکر مکرر دارد
با هر صلوات بر لب صدق و صفا
تکرار خوش نام پیامبر دارد

مونس جان

آن مونس جان که یارو سرور باشد
از جان و جهانی همه برتر باشد
بر عترت و برکتاب پاکش صلوات
باشد که شفیع ما به محشر باشد

عطر گل

با عشق به سوی دوست پرواز کنم

تا شکوه ای از داغ دل آغاز کنم
با عطر گلاب و گل به گلزار وصال
صد پنجره سوی کبریا باز کنم

غار حرا

از طلعت او غار حرا روشن شد
عالم زگل وجود او گلشن شد
هرخاروخسی که بود از نور رخس
اتش بگرفت و گلشنش گلخن شد

کنگره عرش

آن شب که زمین ستاره باران می‌شد
تا کنگره ی عرش چراغان می‌شد
خورشید که بر چهره شاعر می‌تافت
گل واژه ی صبحدم نمایان می‌شد

کعبه جان

از کعبه ی جان شمیم قرآن آمد
از مأذنه گلبانگ به مستان آمد
گل های محمدی شکوفا شده‌اند
زان نافه که از حضرت رحمان آمد

مصادق شریعت

برای امام صادق(ع)
محبوب کبیر خلق و خالق آمد
مصادق شریعت و حقایق آمد
استاد و مُدرّس علوم علوی
آری به جهان امام صادق آمد

چیزی بگو حافظ!

آوا وارسته، گرگان

من که به خود یک عمر عشقت را بده‌کارم
هرگز نخواه از من که از تو دست بردارم
با هر نگاهت شاعرم کردی قبول اما
دیوانگی تاوان سنگینی‌ست دلدارم!
در هر غزل می‌خوانمت تو بیت پایانی
در مطلع شعرم بیا مشتاق دیدارم
وقتی خدا روز ازل نقش تو را می‌زد
لبخند زد یعنی که بد کرده گرفتارم
احساس خود را از چه رو پنهان کنم وقتی
نقل دهان خود را آن در کوچه‌بازارم
هر شب تفال می‌زنم بخت سیاهم را
چیزی بگو حافظ! گره افتاده در کارم

سایه: شاید همین ترسناکه.

روشن: یا شاید همین، تنها چیزی باشه که واقعاً داریم.

[سکوت. روشن به پنجره نگاه می‌کند. سایه کتاب را دوباره باز می‌کند و چشمش روی همان جمله می‌ماند.]

سایه: «دلیلی نیست... برای هیچ.»

روشن: شاید.

سایه: شاید چی؟

[روشن چیزی نمی‌گوید. باران ادامه دارد.]



حاشا نکن، حرف دلت را خوب می‌دانم
تنها بگو یکبار، من هم دوست دارم

چراغ قرمز تنهایی



داریوش جلیلی

پشت چراغ قرمز تنهایی
چشم‌ت چراغ سبز نشان می‌داد
تنهایی‌ام فرار شد از دستم
وقتی که عشق، دست تکان می‌داد
تصویر بی‌پرنده‌ی یک جنگل
در بک‌گراند آینه‌هایم بود
در جاده‌های بی‌کسی‌ام انگار
سهمم نگاه‌واره‌ای از غم بود
چشمان سرخ کرده‌ی من تنها
با قهوه‌ی نگاه تو بیدار است
دنیا بدون قهوه‌ی چشمانت
هر لحظه در کشاکش آزار است

لبخند ممتدی به نگاهم باش
ای چشم‌هات آیه‌ی زیبایی
ای واژگون درون تو احساسم
پایان گرم سفره‌ی تنهایی
تندیس بی‌کرانه‌ی دلواپس
دردانه‌ی نگاه غم‌انگیزم
با یاد چشم‌های پر از برقت
عمری گذشت و باز گلاویزم
عمری گذشت بر من و این کوچه
اما هنوز در دل ما هستی
پشت چراغ قرمز تنهایی
من بودم و خیال تو و مستی



گلستان برای جبران عقب ماندگی های توسعه ای به سرمایه گذاری نیاز دارد



و ایجاد فرصت های جدید اشتغال و سرمایه گذاری است و در این مسیر از تمام ظرفیت های موجود و توان سرمایه گذاران بخش خصوصی استفاده خواهیم کرد. مدیرعامل شرکت برق منطقه ای مازندران و گلستان نیز در این آیین گفت: بخش خصوصی با سرمایه گذاری در حوزه تولید برق می تواند نقش مهمی در تامین انرژی پایدار و رفع مشکلات شبکه ایفا کند و مجموعه کانسار خزر نیز در سال های اخیر در این زمینه اقدامات موثری انجام داده است. علی اکبر نصیری افزود: با توجه به تجربه موفق این سرمایه گذاری و علاقه مندی مجموعه کانسار خزر به توسعه فعالیت در حوزه انرژی، پیشنهاد سرمایه گذاری جدیدی نیز به این مجموعه ارائه خواهد شد و یکی از طرح های در دست بررسی، احداث نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی در پست فوق توزیع عطاآباد است که موافقت نامه احداث مولد مقیاس کوچک آن در حال پیگیری است. نصیری با اشاره به شرایط شبکه برق در منطقه عطاآباد گفت: بخش قابل توجهی از واحدهای این منطقه در حوزه تولید مبلمان فعال هستند و به دلیل مشکلات موجود در شاخص های بهره برداری شبکه، با افت ولتاژ مواجه می شوند که احداث یک نیروگاه مقیاس کوچک در این منطقه می تواند به بهبود وضعیت تامین برق کمک کند. وی گفت: مجوزهای احداث نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی در حال پیگیری است و با توجه به ظرفیت بالای آن، فرآیند صدور مجوز در حوزه نیروگاه های حرارتی انجام خواهد شد و نیازمند ورود دستگاه های اجرایی برای تسهیل در صدور مجوز است. مدیرعامل شرکت برق منطقه ای مازندران و گلستان تاکید کرد: توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی در حوزه تولید برق، یکی از راهکارهای موثر برای تقویت زیرساخت های انرژی و افزایش پایداری شبکه در استان است.

نتیجه برسد. طهماسبی همچنین بر استفاده از ظرفیت های منطقه ای و بین المللی گلستان تاکید کرد و افزود: توسعه روابط اقتصادی با کشورهای آسیای میانه، فعال سازی ظرفیت منطقه آزاد و ایجاد بازارچه محلی در شمال استان با استفاده از ظرفیت تفاهم نامه ایران، ترکمنستان و قزاقستان از جمله فرصت هایی است که باید برای توسعه اقتصادی گلستان مورد توجه قرار گیرد. وی با تاکید بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام در شرایط کنونی کشور گفت: امروز بیش از هر زمان دیگری به وفاق، همدلی و انسجام میان مردم و مسوولان نیاز داریم و هر اقدامی که به ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه منجر شود، به روند توسعه و منافع ملی آسیب می زند. استاندار گلستان خاطر نشان کرد: هدف مجموعه مدیریتی استان، حل مسائل و مشکلات، جبران عقب ماندگی های توسعه ای، تقویت زیرساخت ها

با اشاره به ضرورت جذب سرمایه گذاری در استان تصریح کرد: عزم مجموعه مدیریتی گلستان، استفاده از فرصت های موجود برای توسعه، ایجاد اشتغال و تقویت زیرساخت ها است و تلاش می کنیم زمینه حضور سرمایه گذاران داخلی و خارجی بیشتری را در استان فراهم کنیم. وی با اشاره به ظرفیت های جزیره آشوراده نیز گفت: پس از سال ها انتظار، روند سرمایه گذاری در این جزیره وارد مرحله اجرایی شده و مجوزهای لازم نیز اخذ شده و استان با جدیت اجرای تعهدات سرمایه گذار را رصد و پیگیری خواهد کرد. استاندار گلستان در ادامه از پیگیری برای راه اندازی خط هوایی استان خبر داد و یادآور شد: یکی از برنامه های مهم استان، خرید هواپیما و ایجاد خط پروازی گلستان است که با حل برخی مشکلات موجود، امیدواریم این موضوع با حمایت دولت و مشارکت بخش خصوصی به

استاندار گلستان با تاکید بر ضرورت استفاده از توان بخش خصوصی در مسیر توسعه استان گفت: منابع دولتی برای پیشبرد همه پروژه های مهم کافی نیست و باید از ظرفیت سرمایه گذاران داخلی و ملی برای اجرای طرح های زیرساختی، اقتصادی و اشتغالزا استفاده کنیم. به گزارش روابط عمومی، علی اصغر طهماسبی اظهار کرد: روند سازندگی، تحول و دگرگونی در جای جای استان گلستان با وجود شرایط جنگی ادامه دارد و شاهد اجرای طرح های مهم زیرساختی و اقتصادی در استان هستیم. وی افزود: در حوزه برق نیز اقدامات قابل توجهی انجام شده و شرکت برق منطقه ای و توزیع نیروی برق گلستان در سال جاری برای توسعه زیرساخت های این بخش ۶ هزار و ۹۶۸ میلیارد تومان هزینه کرده که جای قدردانی از وزارت نیرو و مجموعه مدیران و کارکنان صنعت برق استان دارد. استاندار گلستان با اشاره به نقش بخش خصوصی در توسعه زیرساخت های استان گفت: نیروگاه ۱۹.۲ مگاواتی کر دکوی نمونه ای روشن از ظرفیت سرمایه گذاری بخش خصوصی است که در کمتر از ۱۰ ماه و با سرمایه گذاری یک هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان به بهره برداری رسیده و بدون استفاده از منابع دولتی اجرا شده است. طهماسبی ادامه داد: دولت چهاردهم و شخص رئیس جمهوری اعتقاد عمیقی به سرمایه گذاری داخلی دارند، منابع دولت برای اجرای همه پروژه های مهم کشور کافی نیست و باید از ظرفیت سرمایه گذاران داخلی و ملی برای پیشبرد طرح های توسعه ای استفاده کنیم. استاندار گلستان همچنین از صدور مجوز احداث یک نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی دیگر برای این سرمایه گذار خبر داد و افزود: توسعه ظرفیت تولید برق و تامین انرژی پایدار از نیازهای اساسی استان است و باید از هر ظرفیتی برای رفع ناترازی انرژی استفاده کنیم. طهماسبی

نیروگاه گازی ۱۹.۲ مگاواتی کرد کوی افتتاح شد

نیروگاه گازی ۱۹.۲ مگاواتی همزمان با هفته دولت در شهرستان کردکوی به بهره برداری رسید. به گزارش ایرنا، این نیروگاه با هدف افزایش ظرفیت تولید

این پروژه که در هفته دولت پارسال تحویل سرمایه گذار شد، با حضور معاون رئیس جمهور وارد مدار شد. با راه اندازی این واحد، نگرانی صنایع شهرک صنعتی کردکوی از کمبود برق برطرف می شود و مسیر سرمایه گذاری بخش خصوصی در استان هموارتر خواهد شد. فرماندار کردکوی نیز در این مراسم اظهار کرد: مجموع سرمایه گذاری طرح ها و پروژه های قابل افتتاح و کلنگ زنی این شهرستان در هفته دولت امسال به سه هزار و ۶۴۷ میلیارد تومان رسیده که در مقایسه با هزار و ۳۱۳ میلیارد تومان سال گذشته، رشد ۳۲۱ درصدی داشته است. شهربانو بهرانی نیروگاه ۷/۱۹ مگاواتی کانسار خزر کردکوی را مهم ترین پروژه شهرستان در هفته دولت امسال عنوان کرد و گفت: این نیروگاه با ظرفیت ۱۹.۲ مگاوات در زمینی به مساحت ۱۲ هزار و ۷۰۰ مترمربع و با سرمایه گذاری هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان اجرا شده است.

برق و کمک به تامین مطمئن تر انرژی در شبکه استان احداث شده و با ورود آن به مدار، ظرفیت تولید برق در منطقه افزایش می یابد. توسعه نیروگاه های با ظرفیت تولید پراکنده از جمله راهکارهای تقویت پایداری شبکه و کاهش وابستگی به تولید متمرکز به شمار می رود و می تواند در مدیریت بهتر بار شبکه و تامین برق در نقاط مختلف نقش موثری داشته باشد. این نیروگاه با ظرفیت ۱۹.۲ مگاوات و اعتباری بالغ بر یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون تومان احداث و همزمان با برنامه های هفته دولت به بهره برداری رسید. بهره برداری از این نیروگاه در کنار طرح های توسعه شبکه انتقال و فوق توزیع، بخشی از برنامه تقویت زیرساخت های صنعت برق گلستان و افزایش ظرفیت تامین انرژی در استان است. اجرای این نیروگاه که توسط سرمایه گذاری بخش خصوصی اجرا شد نمونه ای موفق از سرمایه گذاری این بخش در گلستان است. زمین

مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۹

سید عیسی میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی ۲۲۳۳۸۹۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۳۳۷.۵ مترمربع به پلاک ۴۹۳۷ فرعی از ۱۰۸ اصلی واقع در اراضی باکرمحله ملکی مهدی داداشی نیا فرزند اسداله ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۴ در محل وقوع ملک واقع در شهرستان گرگان، اراضی باکرمحله بازدید بعمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام میگردد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حق برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۹

سید عیسی میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی ۲۲۳۳۸۹۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۳۴۵/۰۴ مترمربع به پلاک ۴۹۳۷ فرعی از ۱۰۸ اصلی واقع در اراضی باکرمحله ملکی مهدی داداشی نیا فرزند اسداله ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۴ در محل وقوع ملک واقع در شهرستان گرگان، اراضی باکرمحله بازدید بعمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام میگردد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حق برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید

حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۹

سید عیسی میرکاظمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر - شناسه آگهی ۲۲۳۳۸۹۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای

فاعد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵/۰۷/۰۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک آزادشهر پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۰۵۸۹ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زینب حکم آبادی فرزند براتعلی به شناسنامه ۵۵۶ و کدملی ۶۲۴۹۹۳۵۳۷۲ در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده به مساحت ۲۸۰ مترمربع از پلاک ۶/۹۳ - اصلی واقع در آزادشهر خیابان امام - خیابان جهاد کوچه بهار - انتهای کوچه سست چپ بخش ۸ حوزه ثبت ملک آزادشهر متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال مع الواسطه ملک از یکی از مالک رسمی مرحوم نورمحمد نعیمی نظام آباد فرزند غلامحسین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در یک نوبت ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۳

هادی عطائی مقدم - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آزادشهر - م الف: ۱۰۶۵۲

« آگهی ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاعد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۵/۰۷/۰۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۹ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم نورالدین بهلکه فرزند خوجه نظر به شماره شناسنامه ۹۵۵۲ صادره از در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴/۸۱۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۸۳ فرعی از ۲۱۸ - اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کلاله انتقال ملک از مالک رسمی (سهام مشاعی) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

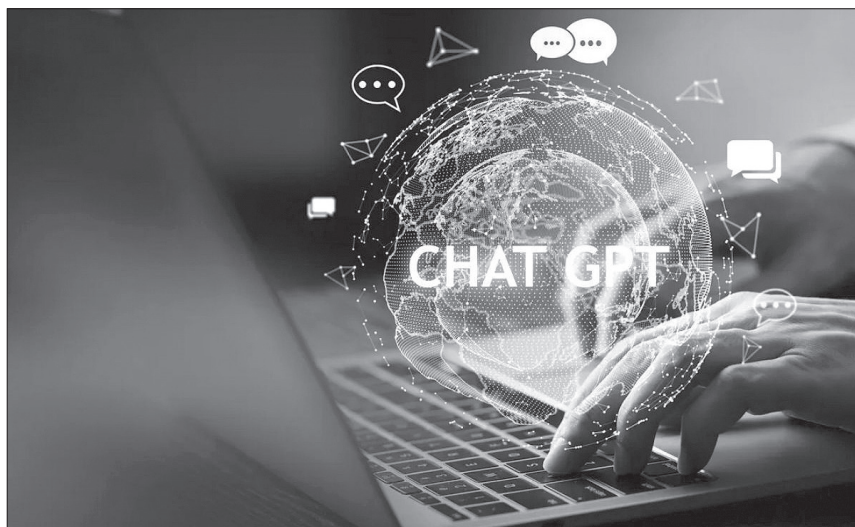
تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله - م الف ۱۰۶۰۴

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش دانگ عرصه و اعیان زمین زراعی به مساحت ۶۱۲/۸۵ مترمربع به پلاک ۱۱۵۹ فرعی از ۱۵۳ اصلی واقع در اراضی نوده حاجی شریف ملکی سکنیه کرم کشته فرزند غلامعلی ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ در محل وقوع ملک واقع در شهرستان گرگان، اراضی نوده حاجی شریف بازدید بعمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام میگردد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حق برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند

آیا چت جی پی تی حافظه ما را ضعیف می کند



از فراموش کردن شماره تلفن‌ها تا ناتوانی در فکر کردن؛ هوش مصنوعی چگونه رابطه ما با حافظه را تغییر می‌دهد؟ به گزارش ایرنا زندگی، تا چند سال قبل اگر کسی نام بازیگر یک فیلم، معنی یک واژه، مسیر رسیدن به یک مکان یا حتی بخشی از یک خاطره را فراموش می‌کرد، مجبور بود ذهنش را به کار بیندازد؛ دنبال سرخ بگردد، اطلاعات قبلی را مرور کند و از حافظه خود کمک بگیرد. اما امروز کافی است چند کلمه در یک کادر تایپ کنیم؛ چند ثانیه بعد پاسخ آماده است. ChatGPT می‌گوید، خلاصه می‌کند، تحلیل می‌کند، متن می‌نویسد و حتی برای تصمیم‌گیری پیشنهاد می‌دهد. اما پشت این راحتی یک سؤال مهم شکل گرفته است: آیا ما با سپردن بخش بیشتری از فکر کردن به هوش مصنوعی، داریم توانایی‌های ذهنی خودمان را ضعیف می‌کنیم؟

پاسخ دانشمندان یک «بله» یا «خیر» ساده نیست؛ اما تحقیقات جدید نشان می‌دهد اگر هوش مصنوعی جایگزین تلاش ذهنی شود، ممکن است برخی مهارت‌های شناختی مانند یادآوری، تمرکز و حل مسئله به مرور کاهش پیدا کند.

مغز هم مانند عضله است؛ چیزی که استفاده نشود ضعیف می‌شود

یکی از اصول شناخته‌شده در علوم شناختی این است که مغز برای حفظ توانایی‌های خود نیاز به تمرین دارد. حافظه، قدرت تحلیل و یادگیری زمانی تقویت می‌شوند که انسان تلاش کند اطلاعات را بازیابی کند، ارتباط میان مفاهیم را پیدا کند و برای رسیدن به پاسخ، مسیر ذهنی طی کند. وقتی همیشه پاسخ آماده در اختیار داریم، ممکن است مغز کمتر وارد این فرآیند شود. این اتفاق شبیه استفاده از ماشین حساب است. ماشین حساب باعث نمی‌شود انسان توانایی ریاضی نداشته باشد، اما اگر فرد برای ساده‌ترین محاسبات هم هیچ‌وقت ذهن خود را درگیر نکند، مهارت محاسبه ذهنی او کاهش پیدا می‌کند. هوش مصنوعی هم می‌تواند چنین اثری داشته باشد؛ نه به این دلیل که «حافظه را پاک می‌کند»، بلکه چون ممکن است فرصت تمرین دادن حافظه را از ما بگیرد.

پدیده‌ای به نام «اثر گوگل»؛ وقتی دیگر لازم نیست چیزی را حفظ کنیم

سال‌ها قبل از ظهور ChatGPT، پژوهشگران درباره پدیده‌ای به نام Google Effect یا «اثر گوگل» صحبت کردند. در سال ۲۰۱۱، پژوهشگرانی از دانشگاه‌های کلمبیا، هاروارد و ویسکانسین در مقاله‌ای که در مجله معتبر Science منتشر شد، نشان دادند وقتی افراد بدانند اطلاعات همیشه از طریق اینترنت قابل دسترسی است، تمایل کمتری به حفظ خود اطلاعات دارند و بیشتر به یاد می‌آورند که «کجا می‌توان آن را پیدا کرد» به زبان ساده:

ما کمتر به خاطر می‌سپاریم پاسخ چیست؛ بیشتر به خاطر می‌سپاریم از کجا می‌توان پاسخ را پیدا کرد. این تغییر در حافظه لزوماً همیشه منفی نیست. انسان‌ها در طول تاریخ با ابزارها رابطه داشته‌اند؛ نوشتن هم زمانی باعث شد انسان‌ها کمتر مجبور باشند همه چیز را حفظ کنند. اما تفاوت هوش مصنوعی با ابزارهای قبلی این است که فقط اطلاعات ذخیره نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند فکر کردن اولیه را هم انجام دهد.

وقتی ChatGPT به جای ما فکر می‌کند چه اتفاقی می‌افتد؟

تصور کنید دانشجویی برای نوشتن یک تحقیق، به جای اینکه ابتدا مطالعه کند، سؤال پرسد، منابع را بررسی کند و خودش تحلیل کند، فقط موضوع را وارد ChatGPT کند و متن آماده تحویل بگیرد. در سال ۲۰۲۵ پژوهشی از مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) درباره استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در انجام فعالیت‌های نوشتاری، نشان داد استفاده بدون مشارکت ذهنی می‌تواند با کاهش درگیری شناختی همراه باشد. پژوهشگران با بررسی فعالیت مغزی کاربران دریافتند افرادی که بیشترین اتکا را به هوش مصنوعی داشتند، مشارکت ذهنی کمتری در فرآیند تولید متن نشان می‌دادند. البته این تحقیقات هنوز در حال توسعه است و نمی‌توان گفت هوش مصنوعی حتماً حافظه همه کاربران را ضعیف می‌کند؛ اما یک هشدار جدی مطرح می‌کند:

اگر مغز فقط مصرف‌کننده پاسخ‌های آماده شود، فرصت ساختن مسیرهای جدید ذهنی را از دست می‌دهد.

«حافظه تبیل»؛ نشانه‌هایی که شاید در زندگی روزمره دیده باشید

شاید برای خیلی‌ها این تجربه آشنا باشد:
«قبلاً شماره چند نفر از نزدیکان را حفظ بودید، اما امروز حتی شماره‌های ضروری را هم بلد نیستید.
«قبلاً برای نوشتن یک متن، ساعت‌ها فکر می‌کردید، اما حالا اولین واکنش شما باز کردن ChatGPT است.
«وقتی مطلبی را می‌خوانید، سریع به خودتان می‌گویید «اگر لازم شد دوباره از هوش مصنوعی می‌پرسم».
«هنگام مطالعه، به جای تلاش برای فهمیدن، دنبال خلاصه آماده هستید.
«برای کوچک‌ترین تصمیم‌ها هم از یک ابزار هوشمند نظر می‌خواهید.
این‌ها ممکن است نشانه یک تغییر مهم باشد: ما آرام‌آرام از «به خاطر سپردن و فکر کردن» به سمت «دسترسی سریع به پاسخ» حرکت می‌کنیم.

آیا انسان‌های آینده حافظه ضعیف‌تری خواهند داشت؟

برخی متخصصان علوم شناختی معتقدند نسل آینده الزاماً حافظه ضعیف‌تری نخواهد داشت؛ بلکه نوع حافظه تغییر خواهد کرد. همان‌طور که انسان امروزی دیگر لازم نیست مسیرهای طولانی را حفظ کند چون نقشه‌های دیجیتال وجود دارند، ممکن است در آینده هم بخشی از اطلاعات را به هوش مصنوعی بسپاریم. اما خطر زمانی ایجاد می‌شود که یک تفاوت مهم از بین برود: استفاده از هوش مصنوعی به عنوان دستیار، با استفاده از آن به عنوان جایگزین ذهن تفاوت دارد. کسی که از ChatGPT برای ایده گرفتن، یادگیری، پرسیدن سؤال‌های عمیق‌تر و بررسی دیدگاه‌ها استفاده می‌کند، ممکن است حتی بهتر فکر کند؛ اما کسی که اجازه دهد هوش مصنوعی به جای او بخواند، تحلیل کند و تصمیم بگیرد، ممکن است به مرور قدرت ذهنی خود را کمتر به کار بگیرد.

چگونه وابستگی خود به ChatGPT را کمتر کنیم؟

راه‌حل، کنار گذاشتن هوش مصنوعی نیست؛ همان‌طور که راه‌حل استفاده نادرست از اینترنت، حذف اینترنت نبود. مسئله اصلی این است که هوش مصنوعی نباید جایگزین فرآیند فکر کردن ما شود. متخصصان علوم شناختی پیشنهاد می‌کنند برای حفظ توانایی‌های ذهنی، باید بین «کمک گرفتن از ابزار» و «واگذار کردن کامل فکر کردن به ابزار» تفاوت قائل شویم. چند تغییر ساده در شیوه استفاده می‌تواند کمک کند:

۱. قبل از پرسیدن، خودتان فکر کنید
یکی از ساده‌ترین روش‌ها این است که قبل از باز کردن ChatGPT، چند دقیقه تلاش کنید پاسخ را خودتان پیدا کنید.
حتی اگر پاسخ شما کامل نباشد، همین تلاش اولیه باعث فعال شدن شبکه‌های حافظه و تحلیل مغز می‌شود.
به جای اینکه بپرسیم:
«یک متن درباره این موضوع برایم بنویس»
اول از خودمان بپرسیم:
«من درباره این موضوع چه می‌دانم؟ چه نکاتی به ذهنم می‌رسد؟»
بعد از هوش مصنوعی برای تکمیل و اصلاح استفاده کنیم.
۲. اجازه ندهید ChatGPT اولین گزینه شما باشد
یکی از نشانه‌های وابستگی این است که برای هر سؤال کوچک، بدون تلاش اولیه هوش مصنوعی برویم.

مثلاً:
«معنی یک کلمه را سریع می‌پرسم، بدون اینکه حدس بزنیم»
«برای یک ایده ساده، منتظر پیشنهاد آماده می‌مانیم»
«برای یک تصمیم روزمره، به جای فکر کردن، نظر هوش مصنوعی را می‌گیریم»
«گاهی بهتر است مغز چند دقیقه درگیر بماند؛ چون همین «درگیری ذهنی» بخشی از فرآیند یادگیری است»
۳. از ChatGPT بخواهید معلم شما باشد، نه نویسنده شما
وقتی از ChatGPT می‌خواهیم «این مقاله را برای من بنویس»، بخش زیادی از مسیر فکری، ایده‌پردازی و تحلیل به ابزار واگذار می‌شود و ذهن فرصت کمتری برای تمرین پیدا می‌کند. اما اگر از هوش مصنوعی بخواهیم «به من کمک کن این مقاله را بهتر بنویسم، ایده‌هایم را بررسی کن، ایرادهای متنم را بگو و پیشنهاد بده چگونه آن را تقویت کنم»، همچنان خودمان در فرآیند فکر کردن و یادگیری حضور داریم. در واقع، بهترین استفاده از هوش مصنوعی زمانی اتفاق می‌افتد که نقش یک معلم، منتقد یا دستیار فکری را برای ما داشته باشد؛ نه اینکه جایگزین توانایی‌های ذهنی ما شود. هوش مصنوعی زمانی بیشترین فایده را دارد که کمک کند بهتر فکر کنیم، نه اینکه کمتر فکر کنیم.
۴. پاسخ هوش مصنوعی را پایان کار ندانید
یکی از خطرهای استفاده زیاد از ChatGPT این است که انسان به پاسخ اول قانع شود.
اما یادگیری واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که سؤال‌های بیشتری ایجاد کنیم:
«چرا این پاسخ درست است؟»
«آیا دیدگاه دیگری هم وجود دارد؟»
«اگر مخالف این نظر فکر کنیم چه؟»
ذهنی که سؤال می‌سازد، فعال می‌ماند.

۵. زمان‌هایی را برای «فکر کردن بدون کمک» مشخص کنید
برخی متخصصان پیشنهاد می‌کنند افراد برای کارهای مهم، دوره‌هایی را بدون استفاده از ابزارهای هوشمند تجربه کنند.
مثلاً:

«نیم ساعت مطالعه بدون کمک هوش مصنوعی»
«نوشتن پیش‌نویس اولیه بدون ابزار»
«حل مسئله قبل از گرفتن پاسخ آماده»
هدف این نیست که فناوری حذف شود؛ هدف این است که مغز یادش نرود خودش هم توانایی حل مسئله دارد.

هوش مصنوعی وقتی خطرناک می‌شود که جای مغز بنشیند

شاید مهم‌ترین سؤال این نباشد که: آیا ChatGPT حافظه ما را ضعیف می‌کند؟ بلکه این باشد: آیا ما هنوز به مغزمان فرصت می‌دهیم که کار کند؟ هوش مصنوعی می‌تواند سرعت، دقت و توانایی‌های ما را افزایش دهد؛ اما زمانی که هر بار با یک سؤال یا مسئله سخت روبه‌رو می‌شویم، بدون اینکه خودمان تلاش کنیم، سراغ پاسخ آماده برویم، ممکن است به مرور ذهنمان کمتر تمرین کند و برخی مهارت‌هایی که برای قوی ماندن به تمرین و درگیری ذهنی نیاز دارند، ضعیف‌تر شوند. در نهایت، آینده متعلق به کسانی نیست که هوش مصنوعی را کنار می‌گذارند؛ بلکه متعلق به کسانی است که یاد می‌گیرند در کنار یک ماشین هوشمند، همچنان یک انسان متفکر باقی بمانند.